

موتزارت پس از ۲۵۰ سال

دکتر شاهین فرهنگ

دانشیار گروه آموزشی موسیقی

دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی

پردیس هنرهای زیبا

دانشگاه تهران

بعدها کتاب‌هایی که راجع به مرگ موتزارت نوشته شده بود را خواندم، ولی این مهم نبود. مهم این بود که وی متجاوز از ۶۲۶ اثر ساخته که اکثراً شاهکار هستند. نکته مهم دیگر اینکه من از آن دوره خردسالی یعنی از ۲۷ ژانویه ۱۹۵۶ که سالروز دویستمین سال تولد موتزارت را جشن گرفته بودند تا ۲۷ ژانویه ۲۰۰۶ یعنی سالروز دویست و پنجاهمین سالروز تولد موتزارت بود زنده مانده بودم نیم قرن مانند یک نیم روز گذشت و الان که این سطور را می‌نویسم اتفاقاً باز هم در ایران نیستم، در شهر گوتنبرگ سوئد هستم و نظاره می‌کنم که در جهان در این پنجاه سال از لحاظ هنر و به‌خصوص موسیقی ارتباط آن با آدمیان چه رویدادهای مثبت و منفی اتفاق افتاده است. من کلاً در ایران زندگی می‌کنم و در دانشگاه تهران خدمت می‌کنم. فکر می‌کنم جامعه جوان ایران به اندوخته‌گیری موسیقی بیشتر احتیاج دارند. کلاً جهان از لحاظ هنری به جلو رفته است. تکنیک‌ها قوی‌تر شده و از طرفی پیشرفت

به‌عبارت دیگر در کشور موتزارت زندگی می‌کردم. قبل از آن به موسیقی آشنا بودم و در عالم خردسالی برای خود فانتزی داشتم که روزی آهنگساز شود، ملودی‌های موسیقی وطن خودم از یک طرف و نواهای موسیقی آهنگساز بزرگ از طرف دیگر مرا تحت تاثیر قرار می‌داد. لیکن در آن ایام تولد دویستمین سالگرد تولد موتزارت، یک حیرت توأم با هیجان به من دست داده بود هر جا قدم می‌گذاشتم موسیقی بود. از پدر و مادرم جويا می‌شدم که این چه موسیقی است. آنها به من پاسخ می‌دادند که موتزارت است. لاقلاً یک هفته تقریباً نامی به‌جز موتزارت نمی‌شنیدم و موسیقی به‌جز موسیقی او به گوشم نمی‌رسید. به زندگی و نوع افکار او کنجکاو شدم، شنیدم که در سی و پنج سالگی فوت کرده است علت را جويا شدم. کسی به درستی نمی‌دانست، یکی می‌گفت مریض شده بود و دیگری اینکه از شدت کار زیاد مثل شمعی بود که خاموش شد.

چندی پیش یعنی در ۲۷ ژانویه ۲۰۰۶ درست ۲۵۰ سال از تولد موتزارت این نابغه بزرگ موسیقی گذشت. او در ۲۷ ژانویه ۱۷۵۶ در شهر سالزبورگ اتریش به دنیا آمد در آن شهر و یا شاید در همه شهرهای اتریش موسیقی حالتی مقدس دارد. از آن سال به بعد دنیا می‌رفت که شاهد یکی از بزرگترین چهره‌های خود در تمام تاریخ باشد. امسال دویست و پنجاهمین سالروز و یا سالگرد موتزارت با شکوه و جلال خاصی برگزار شد. تقریباً در همه شهرهای بزرگ و کوچک دنیا هر جا با توانایی خود آثار مختلف او را اجرا کردند. در آثار مذهبی سمفونیک، آثار پیانو و آثار موسیقی مجلسی گرفته تا سخنرانی‌ها، مقالات، سمینارها همه و همه برگزار شد. من ۲۷ ژانویه ۱۹۵۶ را نیز که دویستمین سالگرد تولد وی بود. به‌خاطر دارم در آن موقع من خیلی خردسال بودم و موسیقی را به تازگی شروع کرده و در عین حال عشق عجیبی به موتزارت داشتم. اتفاقاً من در آن موقع در سالزبورگ و سپس در وین بودم.

۱۷۶۵ زمانی که آهنگساز فقط شش سال داشته ساخته شده و آخرین سمفونی‌های او یعنی ۳۹، ۴۰ و ۴۱ در سال ۱۷۸۸ یعنی در سی و دو سالگی. لیکن سمفونی اول موتزارت اولین اثر او نیست. قبل از این اثر و این تاریخ موتزارت در سال ۱۷۶۴ یعنی در پنج سالگی چند اثر برای کلاوسن می‌سازد. این آثار موتزارت را بعداً شخصی به نام کوشل Kochel ردیف‌بندی کرده و بنا به تاریخ ساخت شماره گذاشته است که با حروف ک (K) نمایش می‌دهد و مثلاً سمفونی شماره ۴۰ در سل مینور ک ۵۵۰ است، یعنی پانصد و پنجاهمین اثر ساخته شده. گفتیم که موتزارت ۴۱ سمفونی ساخته است. این آثار به سه دوره نخستین، میانی و آخری تقسیم می‌شود. سمفونی‌های اولین از ۱ تا ۲۴ از عمق خاصی برخوردار نیستند، تاریخ ساختن آنها هم تا سن ۱۵ سالگی است. اولین شاهکار وی در سمفونی ۲۵ در سل مینور گ ۱۸۳ است. این سمفونی در سال ۱۷۷۲ زمانی که موتزارت شانزده سال داشته ساخته شده است، در عین حال اولین سمفونی وی در گام مینور است. این سمفونی از حالت رومانیک خاصی برخوردار است. درام این اثر مهیج خاطره توفان و کشش است که هم در ادبیات و هم در موسیقی حدود ۱۰ سال بین سال‌های ۱۷۶۵ تا ۱۷۷۵ ادامه یافت. موتزارت اصولاً مینورنویس نبود. مثلاً از ۴۰ سمفونی فقط دو سمفونی (شماره‌های ۲۵ و ۴۰)، از ۲۷ کنسرتوهای پیانو فقط دو کنسرتو (۲۰ و ۲۴)، از ۱۷ سنات پیانو فقط دو سنات (شماره‌های ۸ و ۱۴) و از ۲۳ کوارتت زهی دو کوارتت (شماره‌های ۱۳ و ۱۵) در گام مینور ساخته شده است. البته دو کوئیت زهی در دومینور و سل مینور کوارتت پیانو در

انسان‌ها به احساسی والاتر است. نوابغ بزرگ مردان خدا هستند. حجم کار آنها نسبت به دوران زندگی یک فرد حیرت‌آور است. که بعضی از آنها عمر کوتاهی هم داشته‌اند، مانند موتزارت که ۳۵ سال، شوبرت که ۳۱ سال و شوبن که فقط ۳۹ سال زیسته‌اند، اگر شخصی فقط آثار آنها را به دقت رونویسی کند بیشتر از این ایام وقت می‌برد! با این حال نوابغ بزرگی هم در موسیقی هستند که تعداد آثار آنها در مقابل آثار موتزارت، هایدن و یا شوبرت قابل مقایسه نیستند، ولی کیفیت آنها مهم است مانند آثار بروکنر و یا مالر. موتزارت در ۲۷ ژانویه ۱۷۵۶ به دنیا آمد و زادگاه او در شهر سالزبورگ است. از ۱۷۸۱ وی در وین اقامت گزید و در ۵ دسامبر ۱۹۷۱ در همان شهر بدرود حیات گفت. موتزارت در همه فرم‌های موسیقی شاهکار ساخته است، چون تعداد این آثار زیاد است لاجرم از جهت هنری و محبوبیت بین موسیقی‌دانان و شنوندگان این آثار یکسان نیستند. وی هم در زمینه موسیقی آوازی و اپرا آثار بزرگی ساخته و هم در زمینه موسیقی سمفونیک. در این فرم باید گفت که موتزارت و هایدن که به نام پدر سمفونی معروف است، اصولاً از اولین مبتکرین و پیشگامان این فرم هستند. پس از آن بتهون فرم سمفونی را عظمت می‌بخشد و راه را برای سمفونیست‌های بعدی چون برامس، مندلسن، شومان، بروکنر و چایکوفسکی روشن می‌کند. سمفونی یکی از فرم‌هاییست که مورد استفاده آهنگسازان قرن بیستم نیز قرار می‌گیرد. مانند پروکوفیف، شوستاکوویچ و میاسکوفسکی.

موتزارت در این فرم چهل و یک اثر ساخته است اولین سمفونی او یعنی شماره ۱ در سال

تکنولوژی با موسیقی بیشتر از سایر هنرها آشتی داده‌اند و با هم کنار آمده‌اند. شاید خلاقیت مانند دویست سال پیش که موتزارت، هایدن و بتهون زندگی می‌کردند نباشد. لیکن شاهکارهای آهنگسازان بزرگ از آن زمان بهتر و دقیق‌تر اجرا می‌شود.

ارکسترها بزرگ‌تر شد. در عین حال صدای سازها هم گوش‌نوازتر شد، ایکاش این بزرگان الان زنده بودند و می‌شنیدند که آثارشان چقدر عالی با حالات مختلف توسط بزرگترین و بهترین ارکسترها بکرات اجرا می‌شود، در حالیکه می‌دانیم بعضی از آهنگسازان بزرگ بسیاری از آثار خود را در زمان زندگی اصلاً نشنیده‌اند، حتی نوازندگان سولو مانند پیانیست‌ها، ویولونیست‌ها و سایر نوازندگان نیز در عصر حاضر آثار را بسیار عالی اجرا می‌کنند. ما می‌دانیم آهنگسازان بزرگ دوران گذشته مانند موتزارت که اکنون راجع به آن سخن می‌گوییم یا بتهون، شوبن و لیست از پیانیست‌های بزرگ بوده‌اند ولی چون ضبطی از آنها در دست نیست نمی‌توانیم، آنها را با اجراکنندگان حالا مقایسه کنیم.

برمی‌گردیم به موضوع اصلی خودمان یعنی سالگرد تولد موتزارت. جهان به هنر احترام می‌گذارد، جدا از زد و بندهای هنری و اینکه خیلی اوقات حق‌ها نادیده می‌شود هنرمندی که واقعاً قابل است کارش اجرا نمی‌شود و یا بالعکس چه آثاری که قابل بخش شدن در جهان نیستند ولی به دلایل مختلفی در مقطعی از زمان معروف می‌شوند. لیکن تاریخ داور خوب و بی‌طرفی است. نه تنها از موتزارت در سالروزهای تولدش یاد می‌شود بلکه از سایر هنرمندان حتی کوچک‌تر از او هم جهان یاد می‌کند و این نشانی برای تمایل

سل مینور و مس بزرگ در دو مینور و بالاخره آخرین اثر و یکی از شاهکارهای وی که ناتمام مانده یعنی رکویم (Requiem) هم در گام مینور است. اگر چه تعداد آثاری که موتزارت در گام مینور ساخته زیاد نیست لیکن آنچه در این مد (Mode) ساخته بسیار موثر و جزو شاهکارهای این آهنگساز محسوب می‌شود.

در زمینه مینورنویسی باید گفت که هایدن تمایل بیشتری به این نوع موسیقی‌های دراماتیک نشان می‌دهد همچنانکه در میان ۸۳ کوآرتت زهی هایدن ۱۲ کوآرتت در مینور نوشته شده و این نسبت تقریباً در بقیه آثار هایدن نیز صادق است. در میان سمفونی‌های ۱۰۴ گانه هایدن نیز ۱۱ سمفونی در گام مینور است. در مورد موتزارت گو اینکه آثار مینور وی اکثراً موثر و دراماتیک هستند. در میان آثاری که وی در ماژور ساخته نیز شاهکارهای بی‌همتایی می‌توان یافت. پس از سمفونی‌های دوره نخست، در دوره میانی که از شماره‌های ۲۱ تا ۳۶ است کل این سمفونی‌ها را جالب می‌بینم. به خصوص شماره ۳۱ به نام سمفونی پاریس. سمفونی ۳۳، ۳۴ و ۳۵ به نام هافنر (Hafner) و شماره ۳۶ به نام لینز (Linz) این سمفونی‌ها به خصوص شماره ۳۵ و ۳۶ از جهت فرم گسترده‌تر هستند، گسترش در آنها با استادی بیشتر و درام موسیقی در آنها چشم‌گیرتر وجود دارد.

ارکستر سمفونیک از دوره میانی به بعد وسیع‌تر شده و از دو فلوت دو ابوا، دو باسون، ۲ هورن، ۲ ترومپت و سازهای زهی استفاده شده است، موتزارت کمتر از کلارینت در سمفونی‌هایش استفاده کرده است. سمفونی‌های آخری یعنی ۳۸، ۳۹، ۴۰ و ۴۱ جملگی شاهکارهای سمفونیک موتزارت

به حساب می‌آیند. در این سمفونی‌ها موتزارت از ارکستری که در آن زمان مرسوم بوده استفاده کرده است. در سمفونی ۳۹ به جای ۲ ابوا از ۲ کلارینت استفاده کرده و در سمفونی ۶۰ از کلارینت و ابوا هر دو استفاده کرده است. سازهای ضربی و یا بهتر بگوییم تیمپانی (Timpani) در همه سمفونی‌ها استفاده نشده در سمفونی‌های اولیه تقریباً در هیچ اثر این ساز دیده نمی‌شود. در سمفونی‌های میانی شماره‌های ۳۱، ۳۲، ۳۴ و ۳۵ تیمپانی دارد و در چهار سمفونی آخر نیز این ساز در ارکستر موتزارت خودنمایی می‌کند. موسیقی موتزارت نه تنها از جهت فرم کامل است از لحاظ ملودی نیز گاهی اعجاز‌انگیز می‌نماید، تا جایی که این آهنگساز را باید از بزرگترین ملودیس‌های تاریخی موسیقی به حساب آورد.

اگر ما موتزارت را در آثار ارکستری مخصوصاً سمفونی و کنسرتو با هایدن مقایسه کنیم هایدن را می‌توان پدر سمفونی و موتزارت را می‌توان پدر کنسرت لقب داد (بخصوص ۲۷ کنسرتو پیانو وی شاهکارهای بزرگی در این فرم هستند. این آثار الگویی برای کنسرتوها پیانوی بتھون قرار گرفت) بتھون راجع به کنسرتو پیانوی شماره ۲۰ در مینور و شماره ۲۴ در دو مینور گفته است که ما هیچگاه نخواهیم توانست یک چنین آثار خلق کنیم. راجع به ارادت استاد به این آثار همین بس که وی برای کنسرتو شماره ۲۰ کادانس (Casenga) ساخته است.

اصولاً اولین آثار مهم را برای ساز پیانو موتزارت ساخته است این ساز در اواخر قرن هیجدهم هنوز جدید و ناشناخته بود و موتزارت و کلمنتی (Clementi) از اولین آهنگسازان حرفه‌ای و نوازندگان زبردستی بودند که برای

پیانو آثار با ارزشی خلق کردند. کلمنتی بیشتر نوازنده چیره دست بود و موتزارت آهنگساز و نوازنده مبتکر. به هر صورت کنسرتوهای پیانو موتزارت از شماره ۱۶ به بعد همگی شاهکارهایی در این فرم به‌شمار می‌روند. موتزارت در فرم کنسرتو به ساز پیانو اکتفا نمی‌کند و این فرم را برای سازهای دیگر نیز به کار می‌گیرد ۷ کنسرتو برای ویلن و ارکستر ۴ کنسرتو برای هورن و ارکستر ۲ کنسرتو برای فلوت و ارکستر یک کنسرتو برای فلوت هارپ و ارکستر از سعی‌های موفق موتزارت برای نشان دادن سازهای مختلف ارکستر است. کنسرتوهای باسون و کلارینت که اولی از نخستین آثار دوره نوجوانی و دومی از آخرین آثار اوست مورد توجه نوازندگان این سازهاست.

نقش ارکستر در بیشتر کنسرتوهای موتزارت صرفاً نقش همراهی کننده ندارد. بلکه مانند کنسرتوهای بتھون و یا اکثر کنسرتوهای دوره رومانیک خود دارای شخصیت است. حجم ارکستر در بعضی از کنسرتوهای پیانو مانند سمفونی‌های دوره آخر بسیار گسترده است حتی از سمفونی‌ها هم پیشی می‌گیرد مانند سازبندی در کنسرتو پیانوی شماره ۲۴ که در آن از دو فلوت دو ابوا دو کلارینت دو باسون ۲ هورن ۲ ترومپت تیمپانی و سازهای زهی استفاده شده است. به کارگیری فلوت ابوا و کلارینت با هم در کنار ساز ضربی تیمپانی را ما در هیچ یک از سمفونی‌های ۴۱ گانه موتزارت بجز سمفونی شماره ۳۸ در رماژور به نام پراگ نمی‌بینیم.

به کارگیری ارکستر و سلیقه سازبندی در آثار موتزارت چشم‌گیر است. علیرغم اینکه ارکستر سمفونیک در آن زمان پدیده تازه بوده

می دهد. سنات های شماره ۲، ۴، ۶، ۷ و ۱۳ هر کدام در عین شرح طبیعی شامل لحظات جدی هستند و بقیه سنات ها از مقام پایین تری برخوردار هستند.

سنات های ویلن و پیانو هم از این قاعده مستثنی نیستند تعداد ۶۰ سنات موتزارت برای ویلن ساخته است که از شان آنها سنات های ک ۳۰۴ در مینور ک ۳۳۷ در فا ماژور و ک ۳۷۸ در سل ماژور جزو آثار برجسته او در این زمینه هستند.

تریوها برای ویلن، ویلنسل و پیانو در مقابل ۲۳ کوارتت زهی کمتر خود را نشان می دهند. کوارتت های زهی خود به سه دور اولیه میانی و دوره آخر تقسیم می شود کوارتت های اولیه تا شماره ۱۳ هر کدام عمق خود را در عین سادگی حفظ کرده است بخصوص شماره ۱۳ در مینور ک ۱۷۳ که مربوط به همان دوره توفان و کشش است. ترکیب کوارتت زهی با دو ویلن یک ویلن آلتو و یک ویلنسل از ابتکارات هایدن است. اگر چه این ترکیب به صورت پراکنده گاهگاهی مورد استفاده آهنگسازان قبل از موتزارت و هایدن قرار می گرفته است لیکن آثار درخشان این دونابغه دوران کلاسیک این ترکیب را به عنوان مهم ترین گروه در موسیقی مجلسی قرار داد. بعد از آن بتهون با ساختن ۱۶ کوارتت زهی سری از تفکرات و احساسات و تعالی روح بشر را در این آثار برجسته در پوشش فرم سنات بیان داشته است. در هر حال دوره دوم کوارتت های موتزارت از شماره ۱۴ تا شماره ۱۹ است که آهنگساز آن را به هایدن تقدیم کرده است در میان این شش اثر بزرگ دو اثر برجسته تر است یکی شماره ۱۵ در مینور ک ۴۲۱ و دیگر شماره ۱۹ در دو ماژور ک ۴۶۵ به نام کوارتت دیسونانت. این

را تا درجه بسیار مشکلی از لحاظ صدای انسان به پیش می برد که نمونه آن را ما در آریای ملکه شب در اپرای نی سحرآمیز مشاهده می کنیم.

این تکنیک مشکل را ما در آثار موسیقی مذهبی موتزارت نیز می بینیم. در مس بزرگ در دو مینور ک ۴۲۷ و در رکویم در مینور ک ۶۲۶ نقش آواز و کر به منتهای خود رسیده است.

بخش مهم دیگری از آثار موتزارت قطعاتی که وی برای پیانوی سولو ساخته است مانند سنات ها واریاسیون ها، فانتزی ها و آثار مختلف دیگر. وی ۱۷ سنات برای پیانو ساخته است که اکثر آنها سه قسمتی و کاملاً به فرم سنات است بعدها بتهون با ساختن ۳۲ سنات این فرم را از لحاظ تکنیک و بیان احساسی تا بالاترین حد ممکن به اوج رسانید.

در بیان سنات های پیانو موتزارت چند اثر درخشان وجود دارد که مهم ترین آن سنات شماره ۸ در لامینور ک ۳۱۰ است که وی در سال ۱۷۷۸ در پاریس ساخته است (این سنات تراژیک و مهیج را تحت تاثیر مرگ مادر ساخته است). زبان پر احساس این سنات کاملاً نو و حیرت آور است.

چنین احساسی را با بیان رومانیک تر مادر فانتزی و سنات شماره ۱۴ در دو مینور ک ۴۷۵ و ۴۵۷ نیز مشاهده می کنیم در اینجا گویی موتزارت به پیشواز بتهون رفته است.

در میان این سنات ها شاهد دو سنات بزرگ دیگر هستیم یکی شماره ۱۱ در لا ماژور ک ۳۳۱ که برخلاف معمول با یک تم و واریاسیون شروع می شود و قسمت آخر آن مارش ترک معروف است و دیگری سنات شماره ۱۲ در فا ماژور ک ۳۳۲ که زبان دراماتیک آن هر شنونده ای را تحت تاثیر قرار

است و هایدن هنوز با سمفونی هایش با به کارگیری سازهای مختلف آن را می آزموده موتزارت شخصیت و سلیقه رنگین خود را در ارکستراسیون ثابت می کند و این موضوع در آثار آخری وی کاملاً مشهود است. ساز ترمبون به ندرت در آثار وی مورد استفاده قرار می گیرد فقط در چند اثر آخری ما این ساز را در آثارش می بینیم که مهم ترین آنها استفاده از ترمبون در اپرای نی سحرآمیز و یا آخرین اثر وی رکویم (Requiem) یا سرود مرگ است. موتزارت دوش به دوش آثار سمفونیک و سازی، موسیقی آوازی ساخته است. در این زمینه از یک سو اپراهای او و از طرف دیگر موسیقی های مذهبی او قابل بررسی است.

در قرن هیجدهم هنوز زبان اپرای ایتالیایی بود و موتزارت اولین آهنگساز مهمی است که اپرا به زبان آلمانی ساخته است و می توان او را پایه گذار مکتب اپرای آلمانی دانست اپرای دستبرد از سرا از اپراهای اولیه و آخرین اپرای او یعنی نی سحرآمیز دو نمونه بارز از اپراهای مکتب آلمانی به شمار می رود. دیگر اپراهای معروف موتزارت نظیر عروس فیگارو و دون جیوانی (دون ژوان) به زبان ایتالیایی ساخته شده است. بعد از موتزارت کارل ماریا فن وبر Cael Maria Von Weber اپرا مکتب آلمانی را قوام بخشید و تا اینکه در نیمه دوم قرن نوزدهم واگنر با شاهکار اپرای خود (مکتب اپرای آلمان) را به اوج خود رسانید.

داستان ها معمولاً در اپراهای موتزارت تفریحی و پیش پا افتاده هستند و آنچه این اپراها را به مرتبت والای هنری می رساند موسیقی قوی آنهاست که با تکنیک بسیار مشکل آوازی توأم شده است. موتزارت گاهی از صدای انسان چون یک ساز بهره می گیرد و آن

عنوان به خاطر مقدمه پیچیده و کروماتیک این اثر توسط یکی از ناشرین پدیده آمده است. چهار کوارتت آخری جزء آثار دوره آخر زندگی اوست. در این دوره موتزارت زبان عرفانی سهل و پیچیده‌ای به خود می‌گیرد که تا حدودی با آثار دوره سوم هنری بتهون قابل مقایسه است. کنسرتو پیانوی آخر و کنسرتو کلارینت جزء این سری آثار است.

کوئیت‌های زهی جمعاً ۵۶ قطعه است که به جز شماره ۱ که از آثار اولیه اوست بقیه جزء آثار برجسته موسیقی مجلسی در کل تاریخ موسیقی است. شماره ۲ در دو مینور ک ۴۰۶ شماره ۳ در دو ماژور ک ۵۱۵ و شماره ۴ در سل مینور ک ۵۱۶ آثار برجسته‌تری هستند. این آثار مانند یک سمفونی گسترده و دراماتیک و در عین حال از لحاظ دینامیک دارای لحظات رومانیک هستند. کوئیت‌های ک ۵۱۵ و ۵۱۶ آثاری طولانی و با گسترش‌های وسیع می‌باشند. این قطعات برای دو ویلن دو ویولا و یک ویلنسل ساخته شده است. در ترکیب کوارتت برای پیانو و سازهای زهی دواثر سل مینور ک ۴۷۸ و می بمل ماژور ک ۴۷۳ وجود دارد، قسمت اول کوارتت سل مینور از زمان خود به جلوتر رفته است و در لحظاتی موسیقی شوفان و رومانیتک‌های دیگر مکتب آلمانی چون مندلسن (Mendelssohn) را به خاطر می‌آورد.

کوئیت کلارینت در لا ماژور ک ۵۸۱ نیز از این قاعده بیرون نیست، همتای این اثر از برامس (Brahms) را در ذهن زنده می‌کند.

در میان آثار موتزارت قطعات ساده‌تر هم سخت نام‌هایی چون سرناده (Serenade) دیورتیمنو (Divertimento) و یا نوتورنو (Notturmo) وجود دارد. این آثار معمولاً برای یا

راحت به گوش رسیدن و یا برای مراسم خاص ساخته شده است. این موسیقی‌ها را ما به نام موسیقی مردمی آن زمان می‌شناسیم. در آن زمان موسیقی تحت نام پاپ (pop) وجود نداشته موسیقی آهنگسازان بزرگ و کوچک همه و همه برای استفاده مردم عادی نیز مورد بهره‌وری قرار می‌گرفته است. از این رو باید گفت گوش مردم عادی علیرغم نبودن تکنولوژی Technology هایی که مردم قرن ۲۰ و ۲۱ مانند رادیو و تلویزیون صفحات مختلف CD و غیره در اختیار داشته و دارند هنوز آماده‌تر بود و یا بهتر بگویم گوش‌های آن‌رمال برای پذیرش موسیقی جدی آماده‌تر بوده است. بزرگان موسیقی خود آثارشان را نه فقط برای موسیقی‌دانان و دانشمندان نمی‌ساختند بلکه آرزو داشتند که آثارشان مورد استقبال مردم کوچه و بازار قرار گیرد که در این راه اکثراً موفق هم بوده‌اند.

در میان سرنادها و دیورتیمنوها هم سرناده برای سازهای بادی در دو مینور ک ۳۸۸، سرناده برای سیزده ساز بادی در سی بمل ماژور ک ۳۶۱ و دیورتیمنو شماره ۱۷ در رماژور ک ۳۳۷ قابل ملاحظه است. شکی نیست که اگر موتزارت به جای ۳۵ سال لااقل ۵۵ سال عمر می‌کرد جهان نه تنها شاهد آثار بزرگ دیگری در جهان موسیقی بود بلکه ناظر تفکرات و ابداعات نویی هم در این ورطه می‌بود.

موسیقی‌شناسان معتقدند که این تفکرات نو و اندیشه تابناک عرفانی در موسیقی چند سال بعد توسط بتهون به انجام رسید که این صحیح است. بهر حال جهان با عمر کوتاه موتزارت به یک تاسف عمیق ابدی محکوم شد. در مورد آثار ولفگانگ آمادئوس موتزارت کتاب‌ها نوشته شد و می‌شود. آثار او از

ساده‌ترین دید تا پیچیده‌ترین نکات منفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که این تحقیق‌ها قسمتی از خوراک مدارس موسیقی و اندیشمندان این رشته است. کم‌تر اثری از موتزارت است که راجع به آن بارها و بارها صحبت نشده باشد و یا اینکه مقالاتی منتشر نشده باشد راجع به زندگی او نیز کتاب‌های متعددی نوشته شده که بعضی مستند و جدی بود و از روی شواهد و مدارک علمی بوده و بعضی بایک سری خیال‌پردازی توأم شده است. جهان سینما هم تا به حال چندین فیلم از زندگی موتزارت تهیه کرده است که اکثر این فیلم‌ها از لحاظ موضوع و حوادث تاریخی نبوده و صحت ندارد و بیشتر جنبه داستانی به خود گرفته است.

حتی از آخرین فیلم‌هایی که راجع به موتزارت ساخته شده می‌توان به فیلمی با نام آمادئوس Amadeus ساخته میلوش فورمان اشاره کرد. گو اینکه این فیلم دارای نکات مثبت بود و لااقل سبب شد که موتزارت بین طبقه عادی مردم جهان به خصوص جوانان زنده شود. لیکن شخصیت موتزارت را سبک و خیال‌پردازانه معرفی کردند. گو اینکه به همین دلیل کارگردان برای اسم فیلم به جای موتزارت از آمادئوس استفاده کرده است.

داستان این فیلم اقتباس از یک نول از پوشکین است که نام آن "موتزارت و سالیری" است که طی این داستان سالیری آهنگساز هم دوره موتزارت که شدیداً به وی حسادت می‌کرده است در نهایت او را مسموم کرده و می‌کشد! که البته این صحت ندارد. بهر حال آنچه از موتزارت باقی مانده شاهکارهایست که مانند غزلیات حافظ همیشه زنده و همیشه با دل‌هایمان احساس می‌کند.